

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره اول، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۱-۳۱ New Period, No 1, 2017, P 21-31

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

## نماز شب و عوامل منع ادای آن

علی کرمی<sup>۱</sup>، غلامرضا آبگشا<sup>۲</sup>

۱. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، واحد آموزش و پرورش گله دار، استاد

دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم تربیتی، واحد گله دار، فارس، ایران

alialamarvdasht@gmail.com

۲. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، واحد آموزش و پرورش گله دار، استاد

دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم تربیتی، واحد گله دار، فارس، ایران

Abgosha1353@gmail.com

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی نماز شب و عوامل منع ادای آن پرداخته و به روش تحلیلی - توصیفی به بررسی مفاهیم پرداخته و در پایان نتیجه گیری شده و پیشنهاداتی ارائه می شود. پیمودن راه کمال و نیل به مقامات عالی کار سهل و ساده ای نیست بلکه بسیار مهم و دشوار است و موانعی در این راه وجود دارد که انسان مرید باید در برطرف ساختن آنها جهاد کند و گرنه به مقصد نخواهد رسید، خیلی از افراد دوست دارند که نماز شب بخوانند، ولی توفیق پیدا نمی کنند؛ چون دنبال علت آن نمی روند. خیلی افراد از نماز شب محروم می شوند، ولی علتش را نمی دانند، اگر کسی دوست دارد که نماز شب بخواند، باید مواردی که باعث محروم از نماز شب می شود بر طرف کند. بعضی فقط دوست دارند برای نماز شب بلند شوند، ولی اصلاً فکر موانع نیستند، آن کسانی که اهل نماز شب هستند، هم عاشق نماز شب هستند، هم فکر موانع هستند، و مقدمات نماز شب را رعایت می کنند، و مسائلی را که مانع نماز شب می شود، بر طرف می کنند.

**واژه‌های کلیدی:** نماز شب، راه کمال، مقصد، عبادت.

#### مقدمه

بی تردید ترک نماز شب یک محرومیت است، یعنی محروم شدن از توفیقی بزرگ، حال ممکن است پرسشی مطرح شود و آن اینکه چرا با وجود اینکه لذت انس با خدا در فطرت آدمی به ودیعه گذاشته شده و درخت محبت الهی در جانها ریشه دوانده، اما برخی بندگان خدا از این سفره ی گسترده ی الهی محرومند و حتی تا پایان عمر نیز حتی توفیق این عمل نیک و خداپسندانه یعنی شب زنده داری را پیدا نمی کنند. افرادی که از جرم و خطا پرهیز کرده و نسبت به عواملی که مانع نماز شب می شود کوشیده اند توفیق بهره گیری از نماز شب نصیبشان می شود و اگر برخی بندگان خدا توفیق عمل نیک شب زنده داری را پیدا نمی کنند به خاطر آن است که با حقیقت آن آشنایی نداشته و این ناشی از جهل، ناآگاهی، عجب، خودپسندی، گناه، غرق شدن در لذت های مادی بوده و نسبت به فضایل بی شمار آن بی توجه هستند.

#### گناه و معصیت

همانگونه که اجتماع نور و ظلمت در مکان واحد امکان پذیر نیست، ارتکاب گناه و نماز شب نیز نمی تواند در شخص واحدی جمع شود، زیرا که گناه اثر خویش را که سلب توفیقات است بر جای خواهد گذاشت، این یکی از علت های محروم شدن از نماز شب گناه و معصیت است، البته این بدان معنی نیست که هر کس توفیق شب زنده داری پیدا نمی کند لزوماً اهل معصیت است زیرا چه بسا افرادی که اهل نماز شب نباشند در حالی که اهل معصیت نیز نیستند بلکه منظور از بیان مزبور این است که گناه و معصیت می تواند نقش مهمی در محرومیت مؤمنان از تهجد و شب زنده داری داشته باشد. چنانچه که اگر گفته شود ورزش نکردن باعث بیماری می شود، این بدان معنی نیست که لزوماً همه ی بیماران اهل ورزش نبوده اند بلکه منظور از این بیان این است که ورزش نکردن و تحرک نداشتن می تواند در بیماری انسان نقش داشته باشد. کسی که در طول روز دنبال گناه برود، روحش را با گناه آلوده کند، با اعضای بدنش دست به گناه بزند، یا با چشمش یا با زبانش و غیره، گناه اثرش را بر انسان می گذارد و روح انسان را می میراند. امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَذُنَّبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعَ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السِّكِّينِ فِي اللَّحْمِ» (آمدی، عبدالواحد بن محمد، همان، ج ۱، ص ۴۲۰). شخصی که به عصیان روی می آورد، از خواندن نماز شب محروم می شود و البته اثر کار بد در انسان، از اثر کارد تیز بر روی گوشت سریعتر است. مردی به خدمت امیرالمؤمنین (ع) آمد و از محروم شدن خویش از نماز شب از ایشان سؤال کرد علی (ع) فرمود: «تو مردی هستی که گناهانت تو را به بند کشیده است» (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۶ - کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۳، ص ۴۵۰). وقتی انسان گرفتار گناه شد، حتماً از نماز شب محروم می شود، همان طور که نماز عامل بازدارنده از نماز است فحشا و منکرات نیز مانع حضور قلب در نماز است، نماز و گناه رابطه متقابل و متضاد دارند کسی که اهل فحشا و منکر است توفیق تحصیل حضور قلب در نماز را ندارد زیرا گناه اثر منفی خود را در نماز می گذارد نماز با حضور قلب که

حضور قلب یعنی حاضر شدن قلب در محضر خدا که مبدا همه پاکی هاست و قلب آدم فاسق فاجر و گناهکار نزد معاصی است نه خدا ممکن نیست دل آدمی هم در معاصی غرق باشد و هم در معنویات. (عزیزی تهرانی، عباس، همان، ص ۶۴). فردی نزد سلمان فارسی آمد و از عدم قدرت خویش بر نماز شب از او سؤال کرد ایشان در جواب گفت: «روز گناه نکن تا در شب بتوانی از خواب به پا خیزی و توفیق خواندن نماز شب را بیابی» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۸۱، ص ۱۵۱). امام صادق (ع) فرمودند: «وقتی انسان مرتکب گناه شد یک نقطه سیاه در قلبش پیدا می شود پس اگر از گناه توبه کند نقطه سیاه محو می گردد و اگر همچنان به معصیت ادامه داد نقطه سیاه نیز تدریجا بزرگ می شود تا اینکه بر مجموع قلب غلبه نماید در این صورت هرگز به فلاح و رستگاری نخواهد رسید» (مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، ج ۷۳، ص ۳۲۷). در حدیثی دیگر ایشان بیان می دارند برای قلب انسان چیزی بدتر از گناه نیست زیرا گناه با قلب به جنگ و ستیزی پردازد تا اینکه غلبه کند و در اینصورت قلب واژگون می گردد (مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۳۱۲).

### جهل و ناآگاهی

نشناختن جایگاه تهجد و شب زنده داری از دیگر عوامل محروم شدن از نماز شب است و شاید این علت، گسترده ترین عامل محرومیت باشد، بسیاری افرادی که نه تنها اهل گناه و معصیت نیستند، بلکه به واجبات نیز مقیدند و از خوبان امت به شمار می آیند، اما اهل تهجد و شب زنده داری نیستند و این محرومیت علتی جز ناآگاهی آنان نسبت به فضیلت شب زنده داری ندارد، چنین افرادی اگر اهمیت و جایگاه نماز شب را در می یافتند به یقین مشتاقانه به انجام آن مبادرت می ورزیدند. چنانچه گاهی دیده می شود این گونه اشخاص با مشاهده ی آیه و روایتی درباره ی شب زنده داری، متحول گشته و توفیق تهجد را از آن خود کرده و جز در موارد استثنایی آن را ترک نکرده اند. قرآن نیز همواره آگاهی معرفت را ستوده و آن را بر جهل و نادانی مقدم داشته و این تقدم، به سبب آثاری است که بر آن مترتب است و قرآن را با زبان خاص خود بیان می کند. «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / ۹). آیا آنان که اهل علم و آگاهی هستند با آنان که جاهل و ناآگاهند برابرند؟ هرگز چنین نیست.

### تعلقات دنیوی و دنیا زدگی

زندگی و عوامل سرگرم کننده ی آن در ظاهر، فریبندگی خاصی دارد و هرگاه انسان سرگرم امور دنیایی و مادی شد هیچ گاه ارضاء نشده و پیوسته در پی آن است که هر چه بیشتر از آن را به دست آورد. یکی از موانع بزرگ این راه تعلقات مادی است مانند علاقه به مال، ثروت، همسر، فرزند، خانه، اسباب زندگی، جاه، پدر و مادر، برادر و خواهر و حتی علاقه به علم و دانش، این قبیل تعلقات انسان را از حرکت و هجرت و سلوک باز می دارد قلبی که با محسوسات انس گرفته و شیفته و دلباخته آنهاست چگونه می تواند از آنها

دست بردارد و به عالم بالا سیر و صعود کند. امام صادق (ع) در بیانی محبت دنیا را ریشه هر گناهی می‌داند (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۷۳، ص ۹۰). رسول خدا (ص) فرمودند: «اولین چیزی که بوسیله آن معصیت خدا انجام گرفت شش صفت بود؛ علاقه به دنیا، علاقه به ریاست علاقه به زن، علاقه به غذا، علاقه به خواب، علاقه به راحتی» (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ص ۹۴). امام صادق (ع) فرمود: «دورترین حالات بنده از خدا وقتی است که هدفی جز سیر کردن شکم و تامین خواسته های شهوانی نداشته باشد» (مجلسی، محمد باقر، همان، ص ۱۸). جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: «خدمت امام باقر (ع) رسیدم پس به من فرمود: ای جابر محزون و مشغول القلب هستم، عرض کردم فدایت شوم اشتغال و حزن شما در اثر چیست؟ فرمود: هر کس دین صاف و خالص خدا در قلبش داخل شود از غیر خدا دلش فارغ خواهد بود، ای جابر آخرت سرای جاویدان و دنیا محل مردن و گذشتن می‌باشد لیکن اهل دنیا از این امر غافل می‌باشند گویا مومنین هستند که اهل فقاها و تفکر و عبرت می‌باشد آنچه به گوششان می‌رسد آنها را از ذکر خدا باز نمی‌دارد و رؤیت زر و زیور دنیا آنها را از ذکر خدا غافل نمی‌سازد پس به ثواب آخرت می‌رسند زیرا بدین آگاهی دست یافته اند» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۷۳، ص ۳۶). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «دنیا پرست از عبادت و انس با خدا لذت نمی‌برد در حالی که حب مال در دل اوست.» (مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، ج ۱۴، ص ۳۱۰). دنیا زدگی و محبت به دنیا نیز تاریکی و عبادتی است که زیباییها و لذتهای معنوی و عبادی را از ذائقه انسان می‌برد، حضرت عیسی مسیح (ع) می‌فرماید: «دنیا پرست از عبادت و انس با خدا لذت نمی‌برد، در حالی حب مال در دل اوست» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۱۴، ص ۳۱۰). حضرت علی (ع) فرمودند: «چگونه ممکن است لذت دنیا را درک کند آنکس که از هواهای نفس و تعلقات دنیوی خود داری نمی‌کند» (آمدی، عبدالواحد بن محمد، همان، ج ۱، ص ۲۸۶). در یک حدیث قدسی خداوند متعال به حضرت داوود (ع) می‌فرماید: «اولیای من از دنیا زدگی بدورند همانا دنیا زدگی شیرینی مناجات مرا از قلوب آنان می‌برد» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۸۲، ص ۱۴۳). قرآن کریم نیز بهشت را از آن کسانی می‌داند که دو خصلت مهم در وجودشان محقق شده باشد: اول: دوری از هوای نفس که از مصادیق بارز پیروی از هوای نفس را می‌توان افراط در شهوات و لذت های مادی نام برد، دوم: خوف از مقام پروردگار، «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَيَإِنِّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات/ ۴۰ - ۴۱). هر کس از مقام پروردگار خائف بود و از هوای نفس دوری جست، همانا بهشت منزلگاه اوست.

### عُجْب و خودپسندی

عُجْب عبارت است از بزرگ شمردن عمل صالح و زیاد شمردن و مسرور و خوشحال شدن به عمل خود و خود را از حد تقصیر خارج دانستن و به جایی رسیدن که بر خدای تعالی منت گذاردن، حقیقت عُجْب آن است که شخص خود را بدون عیب و نقص بداند و از اینکه در کمال و نعمت است خود را بزرگ بداند و

گمان کند این کمال از خودش است نه از خداوند و به این مسأله تکیه کند و شاد باشد و فکر کند این نعمت زایل شدنی است؛ مثلاً عبادت می‌کند و می‌پندارد کار بزرگی انجام داده است (مصطفوی، فریده، روش خودسازی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۱). پیامبر اکرم (ص) فرمود: «عجب گناهی است که تخم آن کفر، زمین آن نفاق، آب آن فساد، شاخه‌های آن جهل و نادانی، برگ آن ضلالت و گمراهی، و میوه آن لعنت و خلود در آتش جهنم است، پس هر کس عجب کند تخم را پاشیده و حتماً میوه‌ی آن را خواهد چید» (کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ج ۲، ص ۳۱۳). از بزرگترین آفات عجب این است که شخص کمتر می‌کوشد به خیال این که با همین اعمال به جایی رسیده و رستگار شده در حالی که این بی‌توجهی او را به هلاکت می‌اندازد. بزرگان دین همواره ما را از سیر در وادی خودپسندی بر حذر داشته‌اند؛ سعدی در گلستان در باب «اخلاق درویشان» اشاره دارد که در ایام طفولیت معتبد بودمی و شب خیز و مولع زهد و پرهیز، شب در خدمت پدر نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته، پدر را گفتم: از اینان یکی سربر نمی‌دارد که دو گایینی بگزارد، چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند، گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی. (سعدی، مصلح الدین، گلستان، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵). در حدیث قدسی وارد شده که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَسْأَلُنِي الشَّيْءَ مِنْ طَاعَتِي فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ مَخَافَةَ الْإِعْجَابِ» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۶۹، ص ۳۲۲). برخی از بندگان مؤمن کسانی هستند که طلب می‌کنند از من چیزی را از عبادتم، اما من توفیق آن عبادت را به او نمی‌دهم به سبب ترس از خود بینی و به عجب آمدنش.

### پیروی از هوای نفس

تمایلات نفسانی همانند دوده‌های غلیظ خانه دل راتیره و تارمی سازند و چنین دلی لیاقت تابش انوار الهی را ندارد، هوی و هوس‌ها که دائماً قلب را به این طرف و آن طرف می‌کشند و به او فراغت نمی‌دهند تا با خدا خلوت کند و انس بگیرد و شبانه روز در تلاش است خواسته‌های نفسانی را ارضاء کند کی می‌تواند از دنیا هجرت کند و به بارگاه قدس پرواز نماید. خدای سبحان در قرآن می‌فرماید: «از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا باز می‌دارد» (ص / ۲۶). علی (ع) فرمود: «شجاع‌ترین مردم را کسی می‌داند که بر هوای نفس خویش غلبه کند» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۷۰، ص ۷۶).

### پر خوری

وقت را تلف کردن و معده را تا به حلقوم از خوردنی‌ها پر نمودن، و سپس در بستر نرم و مکان راحتی به خواب رفتن، انسان را از توفیق نماز شب باز می‌دارد. پر خوری سبب بخار معده و سستی می‌شود و نتیجه آن خواب زیاد است که آفتهای زیادی دارد؛ از جمله قساوت می‌آورد، و روح را کسل کرد و مانع نماز شب انسان می‌شود. در حدیثی حضرت علی (ع) فرمودند: «از پر خوری دوری کنید که موجب قساوت

قلب، تنبلی در نماز و سبب تباهی بدن است. « (آمدی، عبدالواحد بن محمد، همان، ص ۸۰). اسلام از پر خوری مذمت نموده است، امام صادق (ع) به ابو بصیر فرمود: «شکم در اثر پر خوری طغیان می کند، نزدیکترین احوال بنده به خدا هنگامی است که شکمش خالی باشد و بدترین حالات وقتی است که شکمش پر باشد. « (عاملی، حر، الجواهر السنیه، ص ۱۶، ج ۵). رسول خدا (ص) فرمودند: «پر خوری نکند که نور معرفت در قلب شما خاموش می گردد» (نوری، حسین، همان، ج ۳ ص ۸۱). امام صادق (ع) فرمود: «برای قلب مومن چیزی زیانبارتر و مزموم‌تر از پر خوری نیست، پر خوری باعث قساوت قلب و تحریک شهوت می شود، گرسنگی خورش مومن و غذای روح و طعام قلب و صحت بدن می باشد» (نوری، حسین، همان، ص ۸۰). امام علی (ع) فرمود: «هنگامی که خدا صلاح بنده اش را بخواهد قلت کلام و قلت طعام و قلت خواب را به او الهام می کند و گرسنگی بهترین کمک برای کنترل نفس و شکستن عادت های او می باشد» (نوری، حسین، همان، ص ۸۱). «علی (ع) روایت کرده که خدای متعال در شب معراج به رسول خدا (ص) فرمود یا احمد: کاش شیرینی گرسنگی و سکوت و خلوت و آثار آنها را می چشیدی، رسول خدا (ص) عرض کرد پروردگارا فایده ی گرسنگی چیست؟ فرمود: حکمت و حفظ قلب و تقرب به من و حزن دائم و کم خرجی و گفتار حق و بی باکی از اینکه در گشایش باشد یا سختی» (نوری، حسین، همان، ص ۸۲).

## دروغ

دروغ یکی از قبیح‌ترین و خبیث‌ترین گناهان و صفتی است که انسان را در دیده‌ها خوار و از درجه‌ی اعتبار ساقط می کند و باعث رو سیاهی در دنیا و آخرت می شود، مهمترین سرمایه‌ی یک جامعه اعتماد متقابل و اطمینان است و مهمترین چیزی که این سرمایه را به نابودی می کشاند دروغ است، دروغگویی صفتی است که اگر کسی به آن عادت کرد ترک آن به سختی انجام می گیرد، شخص دروغگو نمی تواند تهنید نفس کرده و خود را از معاصی پاک بدارد؛ چون عادت به این صفت مذموم مانند مرضی مزمن در جان و روان او ریشه دوانده و او را مبتلا ساخته و دل و قلب او را کدر و تار می سازد و قلبی که کدر شد خانه و مأوی خداوند نمی تواند قرار گیرد، پس باید به خوبی دل را پاک و نورانی نمود تا پذیرای باری تعالی شود، امام صادق (ع) می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَ فَيَحْرِمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۸۷، ص ۱۴۶). چه بسا مردی به وسیله گفتن دروغی از انجام فیض و اقامه نماز شب محروم ماند.

## زیاد خوابیدن در شب

خوابیدن یکی از نعمتهای الهی است که به انسان داده شده است؛ خصوصاً شب برای استراحت و خوابیدن قرار داده شده، همان طور که ارزش خواب در شب از خوابیدن در روز بیشتر است، عبادت و شب زنده داری در شب از روز با ارزشتر است، شب را انسان تقسیم کند مقدار از آن را برای عبادت و مقداری از آن

را برای استراحت قرار بدهد، اگر همه شب را بخوابد زیان کرده، و به روح خود ضربه زده است، رسول خدا (ص) آفات زیاد خوابیدن را چنین بیان می‌کند: « قَالَتْ أُمُّ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ يَا بُنَيَّ! إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ كَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ تَدْعُ الرَّجُلَ فَقِيْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ » مادر سلیمان ابن داود(ع) می‌گفت: فرزندم! از زیاد خوابیدن در شب بپرهیز، همانا زیاد خوابیدن در شب، باعث تهیدستی و فقر در روز قیامت می‌شود (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۷۸، ص ۱۵۲).

### ضعف اراده

یکی از موانع بزرگ این راه که شاید مهمترین آنها باشد ضعف اراده و عدم قدرت تصمیم‌گیری است، این مانع انسان را از شروع در عمل باز می‌دارد، شیطان و نفس اماره ابتدا سعی می‌کنند شب‌زنده‌داری را کوچک و غیر ضروری جلوه دهند، تلاش می‌کنند انسان را به انجام وظایف صوری، بدون توجه و حضور قلب قانع سازند، می‌گویند: تو وظیفه‌ای جز انجام این عبادتها نداری. انسان مرید باید جلو وسوسه‌های شیطان و نفس اماره را بگیرد، با مراجعه به آیات و احادیث و کتب معرفت و اخلاق به ارزش و ضرورت تهجد و سیر سلوک و تحصیل حضور قلب و ذکر و شهود واقف گردد وقتی به ارزش آن پی برد و سعادت ابدی خویش را در آن دید به طور جدی وارد عمل شود. یأس و ناامیدی را به خود راه ندهد و به نفس خویش بگوید گر چه دشوار است لیکن چون سعادت آینده‌ی من بدان بستگی دارد باید وارد عمل می‌شوم که خدای سبحان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت / ۶۹) و کسانی که در راه ما تلاش و جهاد کرده‌اند، راه‌های قرب به خود را به آنان نشان خواهیم داد.

### عدم آشنایی با فلسفه‌ی نماز

نماز تجسم باوری از نیازهای درونی انسان است بنابراین بپا داشتن آن مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه‌ی آن است. انسانی که نمی‌داند چرا باید نماز بخواند و چه اثری بر آن مترتب است و چه مضامینی در این گفتگوهای مکرر مورد بازگویی قرار می‌گیرد طبعاً نسبت به این عبادت فاقد انگیزه و رغبت است، نه تنها نماز بلکه انسان صرفاً در برابر اعمالی تمکین می‌کند اگر چه ناروا و غلط تصور و باور قانع‌کننده‌ای از آن داشته باشد و جسم یا روان خود محتاج آن بدانند، نیاز، مدار همه‌ی کنش‌ها و محور تمام تلاش‌های انسان است. درمان بیماری بی‌رغبتی به نماز در گرو شناخت نماز و معانی و اسرار آن است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اگر بدانی نماز چیست و با چه کسی نجوا

و گفتگو می‌کنی خسته نمی‌شوی و نماز را به اتمام نمی‌بری» (مجلسی، محمد باقر، ج ۸۲ ص ۲۳۴).

### ناآشنایی با نیازهای خود

عدم برآورد صحیح نیازها موجب غفلت از ضرورت‌ها می‌گردد، اگر انسان نیاز خود را به معبود درک کند و بداند که به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده‌ی خداوند است از هماهنگی و پیوند با او در مقاطع فعالیت‌ها و برنامه‌های شب و روز دریغ نمی‌کند، او نمی‌داند که تمامی گره‌های او باید در نماز و ارتباط با خدا گشوده شود. در برابر چنین نادانی و گمراهی خداوند متعال به ملائکه‌ی خود خطاب می‌کند: به این بنده‌ی من نگاه کنید چقدر در اشتباه است. او می‌پندارد که نیازهای او به دست غیر من برآورده می‌شود و نمی‌داند که من حوائج او را بر می‌آورم (عاملی، حر، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴). آری قهر با خدا و با یاد او تنها از جهالت ناشی می‌شود، جهل نسبت به خدا، جهل نسبت به نماز و جهل نسبت به نیازهای فقر خویش و لذا از هر فرصتی برای فرار استفاده می‌کند.

### عدم شناخت و بی‌مهری به خداوند

شخصیتی که ناشناخته و توصیف نشده باشد جاذبه و حریم نخواهد داشت، در سوره‌ی مبارکه حمد خداوند سبحان نخست خود را برای جهانیان توصیف می‌کند که رابطه‌اش با آنان رابطه‌ی مالک و مربی است و او نسبت به مملوکین و مربوبین خویش سرا پا محبت و لطف است و این ارتباط با خط پرونده‌ی انسان‌ها نشانه‌ی اولی و دار دنیا قطع نمی‌گردد و در جهان آخرت مرکز همه‌ی توجهات و قدرت‌ها اوست و لا غیر. پس از آنکه انسان خدای خویش را شناخت و در پرتو این شناخت احساس محبت و عشق پیدا کرد آنگاه از قول انسان می‌فرماید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» آن کس که در برابر دریای بیکران رحمت و لطف الهی سر تعظیم فرود نمی‌آورد و نسبت به او احساس محبتی ندارد او را نشناخته که احساس بیگانگی دارد. در یک روایت قدسی خداوند متعال رغبت و عشق به نماز را ناشی از شناخت و محبت به خداوند می‌داند و می‌فرماید: « ای موسی اگر بینی آنان را که درون شب برای من نماز می‌خوانند آن گونه مرا شناخته و درک کرده‌اند گویا من در پیش چشمشان آنسانم و با من به گفتگو نشسته‌ام... ای فرزند عمران خطا می‌کند و دروغ می‌گوید. آن کس که می‌پندارد که مرا دوست دارد اما همین شب فرا می‌رسد می‌خواهد، آیا هر محبی سخن گفتن در خلوت با محبوب خود را دوست نمی‌دارد» (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۸۷، ص ۱۳۹).

### دسیسه‌های شیطان

شیطان دائماً از مجرای نفس اماره و هوای نفس وارد عمل می‌شود و دائماً انسان را وسوسه می‌نماید و هوای نفسانی را تحریک می‌کند و اگر از یک راه موفق نشد، از راه دیگر وارد عمل می‌شود، تا اینکه نگذارد انسان در محضر خدا قرار گیرد و به همین جهت است که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هنگامی که بنده‌ی خدا مشغول نماز می‌شود و شیطان می‌آید و به انسان می‌گوید این را بگو، این را بگو، تا اینکه نداند



چطور نماز خوانده است. « (مجلسی، محمد باقر، همان، ج ۸۴، ص ۲۵۹). از این روایت معلوم می‌شود که وسوسه‌های شیطان در عبادت همیشگی است و از راه‌های مختلف وارد می‌شود تا انسان را گمراه کند و چون هواهای نفسانی، جنود و لشکریان شیطانند و به فرمان شیطان عمل می‌کنند و با توجه به مختلف بودن هواهای نفسانی، راه‌های نفوذ شیطان هم مختلف خواهد شد پس روشن می‌گردد که شیطان یک عامل ثانوی در مقابل هواهای نفسانی نیست بلکه عامل عامل است؛ یعنی منشاء و منبع هواهای نفسانی است، همانطور که ملانکه منشاء الهامات و کارهای خیر هستند و عامل عاملند، نتیجه آنکه وسوسه‌ی شیطان توسط تحریک هواهای نفسانی است که موجب عدم توجه و حواسپرتی در نماز می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

از آنچه بیان گردید نتیجه گرفته می‌شود که یکی از الطاف بزرگ پروردگار جهان آفرین نسبت به بندگان این است که او با آن همه عظمت و بزرگی بندگان خویش را اذن داده که بتوانند با او سخن گویند و ندای آنان به سوی آن درگاه راه یابد، این کمال و بزرگواری و کرامت بلندمرتبه‌ی اوست که از سر مهر و رحمت ما را اجازه داده که نیاز خویش را بدو ابراز داریم و به درگاه بس رفیع او عرض حاجت نمائیم، بهترین نوع عبادت، عبادت عاشقانه است که قلب عبد مملو از محبت محبوب باشد و با تمام وجود آن را لمس کند بدان سان که گویا جز عبادت شغل دیگری ندارد، عبادت و راز و نیاز با معبود آن هم در دل شب برای اهل دل لذتی فوق لذات و حلاوتی خاص و غیر قابل وصف و قیاس دارد، آنان که توفیق وصول به کناره‌ای از این بحر بی کران، نصیبشان گشته و قطره‌ای از آن دریای ژرف بی پایان به ذائقه‌ی جانیشان رسیده است به تمام دنیا و آنچه که در دنیاست در نظرشان حقیرتر از خاک زیر پا که می‌مالند و می‌گذرند آمده است، عبادت در شب مخصوصاً در سحرگاهان و نزدیک طلوع فجر اثر فوق العاده‌ای در صفای روح و تهذیب نفوس و تربیت معنوی انسان و پاک‌ی قلب و بیداری دل و تقویت ایمان و اراده و تحکیم پایه‌های تقوا در دل و جان انسان دارد که حتی با یک بار آزمایش انسان آثار آن را به روشنی در خود احساس می‌کند.

### پیشنهادات کاربردی

شب زنده‌داری کیمیایی است که جان آدمی را صیقل می‌دهد و مس وجود او را به زر کمال مبدل می‌سازد و او را در پیمودن قرب یاری می‌رساند شب زنده‌داری یعنی راز و نیاز و اظهار بندگی و عبودیت اتصال روح انسان به دریای بی نهایت کمال مطلق. یکی از نوافل و نمازهای مستحبی که در مورد آن بسیار سفارش شده است نماز شب است. لذا در این خصوص پیشنهاد می‌شود:

- 
- استمرار و مداومت بر شب زنده‌داری حسن مراقبت را در انسان تقویت کرده و این امر انسان را بر تفکر و اندیشه در مورد کم‌کاریهایش و موانع تهجد یاری کرده و او را به محاسبه نفس و می‌دارد تا از خواب غفلت بیدار شود.
- یکی از نوافل و نمازهای مستحبی که در مورد آن بسیار سفارش شده است نماز شب است. از آن غفلت نوزید.
- تنبلی، سستی و تن‌پروری یکی دیگر از موانع نماز شب است، با ورزش و دستورات الهی بدن را آماده عبادت نمایید.

### فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۷۹)، غرر الحکم در الکلم، قم، سازمان دارالکتب.
- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۳)، گلستان، تهران، انتشارات صفی علیشا.
- عاملی، حر، بی تا، وسائل الشیعه، تهران، چاپ المکتب الاسلامیه.
- عاملی، حر، (۱۱۰۴ ق)، الجواهر السنیة، مکیه المفید.
- عزیزی تهرانی، عباس، (۱۳۷۶)، سلامت روح، قم، انتشارات نبوغ.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۴ ق)، اصول کافی، تهران دالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، حلیه المتقین، انتشارات رشیدی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، الوفا.
- مصطفوی، فریده، (۱۳۸۰)، روش خودسازی، قم، بوستان کتاب.
- نوری، حسین، بی تا، مستدرک الوسائل، تهران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

